

Contemporary political Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Quarterly Journal, Vol. 12, No. 3, Autumn 2021, 113-143
Doi: 10.30465/cps.2021.33273.2607

Obstacles to the Secularization of the Islamic Government in Imam Khomeini's Intellectual System

Saeed Ghorbani*

Ali Morshedizad, Mahdi Naderi*****

Abstract

Sacrifice and martyrdom are two major issues in Islamic culture and the Islamic system is what makes the survival of Islam and the culture of sacrifice and martyrdom, Based on these two axes that Islam stand on his legs and stand up against any storm. With a glimpse of the history of the nations we find that if a nation of culture of sacrifice and martyrdom have had, remain proud and victorious, But for the society on the path of sacrifice and martyrdom to be permanent and stable society is in other words for the culture of sacrifice and martyrdom and not plagued Must pay identify damage and protect them, the study authors aim is that by using document analysis Damage to the culture of sacrifice and martyrdom, according to the Supreme Leader's recognition and In the next phase seeks to protect the damage cope with strategies to pure culture of sacrifice and martyrdom are protected from damage And sustaining the damage before the culture of sacrifice and martyrdom and research question from the perspective of the Supreme Leader What are the ways to protect them and in what form could it be? The findings of the

* PhD student in the field of political studies of the Islamic Revolution, (Corresponding Author),
Shahadat10425@gmail.com

** Faculty member of the Department of Political Science and Sociology of the Islamic Revolution of
Shah University, alimorshedizad@yahoo.com

*** Assistant Professor of Political Science, Shahed University, m.naderi@shahed.ac.ir

Date received: 09/11/2020, Date of acceptance: 11/08/2021

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

study indicated that extensive damage Before the culture of sacrifice and martyrdom that should provide various solutions offered to be strengthened in the text.

Keywords: Pure Muhammadan Islam (PBUH), Secularism, Imam Khomeini (RA), Secularization, Islamic Government.

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی در منظومه فکری امام خمینی (ره)

سعید قربانی تازه‌کندی*

علی مرشدی‌زاد**، مهدی نادری***

چکیده

در اندیشه متعالی امام خمینی (ره)، به‌عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، دین اسلام مکتبی جامع است که برای ابعاد مختلف فکری و عملی انسان در جامعه راه‌کار دارد. در نقطه مقابل این اندیشه راه‌بردی تفکراتی متعارض وجود دارند که در سطح ملی و بین‌المللی مترصد هستند اسلام ناب محمدی (ص) را دین تک‌ساحتی و صرفاً معنوی معرفی کنند و از این زاویه به ناکارآمدی دین در عرصه‌های گوناگون اجتماعی از جمله سیاست اقرار کنند. با توجه به این تهدید برای انقلاب متعالی ملت ایران، متفکران اسلامی، از جمله امام خمینی (ره)، با بینش و شناخت راستین از اسلام اصیل در مقابل این نوع برداشت از دین ایستادگی کردند و مانع رشد این تفکر شدند و از این طریق مانع شدند که دین اسلام هم‌چون مسیحیت دچار انحراف شود و سنن عرفی به‌جای دین وارد عرصه‌های اجتماعی شود. با توجه به اهمیت مسئله فوق‌الذکر، در مقاله حاضر، تلاش این است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتاب‌خانه‌ای به این سؤال پاسخ داده شود. موانع عرفی (سکولارشدن) نظام سیاسی اسلام از منظر امام خمینی (ره) چه مؤلفه‌هایی

* دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، گرایش اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی،

دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)، Shahadat10425@gmail.com

** دانشجویار گروه علوم سیاسی و مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد

alimorshedizad@yahoo.com

*** استادیار علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، m.naderi@shahed.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

هستند؟ مفروض مقاله به این قرار است که براساس نگرش راهبردی امام خمینی (ره)، اسلام یک دین جامع و کاملی است که برای تمامی وجوه و ابعاد زندگی انسان برنامه دارد که صرفاً در سایه تشکیل حکومت اسلامی امکان پیاده‌سازی دارد.

کلیدواژه‌ها: اسلام ناب محمدی (ص)، سکولاریسم، امام خمینی (ره)، عرفی‌شدن، حکومت اسلامی.

۱. مقدمه

امام خمینی (ره) بنیان جامعه و نظام سیاسی اسلامی در ایران را پی‌ریزی کرد که دغدغه اصلی آن دین‌داری و تحصیل سعادت حقیقی برای انسان معاصر در جهان کنونی است. ناآرامی جهان کنونی دلایل گوناگونی دارد که از مهم‌ترین آن‌ها کنارنهادن دین و معنویت از حیات انسانی است. نگرش و عملکرد امام خمینی (ره) توانست دین و معنویت را مجدداً به جامعه جهانی معرفی کند و توجه آن‌ها را به تأثیر دیانت در سیاست جلب کند (حسینی ۱۳۹۲: ۱۵). امام (ره) با دریافتی جامع از دین اسلام و بهره‌گیری از عقلانیت دینی (religious rationality) نسبت به سیاست توانست به احیای نگرش اسلام در تمام ابعاد زندگی انسان بپردازد. وی توانست افزون‌بر ارائه نگرشی کلی و همه‌جانبه از اسلام ناب محمدی (ص)، نگرش و کنش اجتماعی - سیاسی مبتنی بر آن را نیز دنبال کند (نوری و دیگران ۱۳۹۵: ۹۶۹).

امام خمینی (ره) به‌منظور دینی‌کردن عرف، سیاست، و اجتماع گام‌های زیادی برداشت (مریدی ۱۳۸۸: ۱). ایشان اعتقاد داشتند که اسلام مکتب کاملی برای سعادت و رشد انسان در ابعاد مادی و معنوی است. امام (ره) تأکید بر نگرش توأمان به اسلام (توجه به جنبه‌های مادی و معنوی) دارند. در این زمینه، تلاش استعمارگران و افراد وابسته به غرب این است که باید میان دیانت و سیاست تمایز ایجاد کرد و این مسئله در زمان حیات رهبر انقلاب اسلامی هم وجود داشت و ایشان برای صیانت از انقلاب اسلامی در مقابل تهدیدات فرهنگی - سیاسی خارجی و داخلی بر پاس‌داشت اسلام سیاسی تأکید داشتند و از عرفی‌شدن به‌عنوان یک تهدید یاد می‌کردند. مقاله حاضر تلاش دارد با استعانت از اندیشه‌های امام (ره) به بررسی عوامل عرفی‌شدن (سکولاریشن) در حکومت دینی بپردازد و برای پاسخ به سؤال اصلی از روش تحلیلی - توصیفی بهره گرفته شده و مرجع اصلی این پژوهش صحیفه امام است.

۲. مفاهیم پژوهش

۱.۲ سکولار و عرفی شدن

تعبیر *secularization* در زبان انگلیسی به برچیدن مقامات، مناصب، و کارکردهای روحانی یا به انتقال برخی وظایف و کارکردهای معین هم‌چون قضاوت، آموزش، و کارهای اجتماعی از روحانیان به متخصصانی اشاره دارد که دیگر احراز شرایط عقیدتی ایشان برای قبول این وظایف و نقش‌ها ضروری یا متناسب نمی‌نماید. در زبان عربی، واژه «علمانیت» معادل عرفی شدن و جداانگاری دین و دنیا در زبان پارسی نیز همان معنا را می‌رساند (گلباغی ۱۳۷۸: ۱۲۵). سکولاریزاسیون (*secularization*) فرایندی است که به عرفی و عقلانی شدن نهادهای دینی، انفکاک دین از دنیا، و به‌حاشیه‌راندن دین از عرصه‌های اجتماعی اشاره دارد (عیوضی و دیگران ۱۳۸۸: ۱۰۳). عرفی شدن به معنای فرایندی است که عرصه‌های دین به تدریج مسخر عرف می‌شود و دین مرحله‌به‌مرحله به حاشیه اجتماع و به درون فرد رانده می‌شود. فرایند عرفی شدن حسب عوامل مختلفی هم‌چون جوهر دین رایج، ساخت اجتماعی، شرایط تاریخی، و بافتار فرهنگی دارای الگوهایی متفاوت و بعضاً منحصر به فرد عرضه است (شجاعی زند ۱۳۸۰: ۱۱۲).

۲.۲ حکومت اسلامی

از آن‌جا که دین اسلام مجموعه‌ای از عقاید، احکام، اخلاق، باورها، قوانین، و اصول ارزشی را در بر می‌گیرد (کلاته ۱۳۸۷: ۴۷)، حکومت اسلامی حکومتی است که اسلام محتوای وجودی آن را جهت و حرکت می‌دهد. حکومت از دیدگاه اسلام برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید (خورشیدی ۱۳۹۴: ۵). حکومت اسلامی از منظر امام اصلی اساسی است که در عرصه عمل لازم است وارد شود. غفلت جوامع اسلامی از مبانی اسلامی و عدم سازمان‌دهی حکومت بر مبنای ارزش‌های الهی سبب می‌شود که حکومت بر مبنای اسلام صرفاً در بعد آرمانی بماند و وارد حوزه عملی نشود؛ «فکر حکومت اسلامی، این‌که باید اسلام حکومت کند و نه غیراسلام» (امام خمینی ۱۳۸۵: ج ۴، ۴۵۵). لذا از منظر امام غفلت مسلمین سبب شده است که اسلام در دایره حیات مسلمین جایگاهی

نداشته باشد. «نهایت این که غفلت مسلمین از مصالح خودشان و اخیراً هم دست‌های استعمار از چند صد سال پیش به این طرف موجب شد که حتی طرح هم‌چون آرمانی نشود» (همان).

حکومت ایدئال از نگاه امام حکومت اسلامی است که مبنای آن خدمت به مستضعفان و ایجاد رفاه برای مردم است. در منظومه نگاه امام صرف آرمان‌گرایی درباب اسلام کارساز نیست، بلکه باید از حالت تئوریک به روند عملیاتی تبدیل شود تا مردم در ظل آن قرار گیرند. وجود حکومت اسلامی از منظر امام برای رفاه و آسایش مردم است: «وضع حکومت اسلام یک هم‌چو وضعی است. اداره‌اش برای رفاه مردم است، نظامش برای رفاه مردم است، رئیس‌جمهورش برای رفاه مردم است، نخست‌وزیرش برای رفاه مردم است، و محیط محیط محبت؛ یک محیط محبت» (همان: ج ۷، ۲۳۸). از نگاه امام، تحقق چنین رویه‌ای باعث آسایش برای جامعه می‌شود:

اگر ما موفق بشویم به این که اسلام را به آن معنایی که بوده است، به آن معنایی که بنای اسلام بر آن بوده، در خارج متحقق بکنیم، هم نظام راحت می‌شود، هم شهربانی. دیگر احتیاج به این که به مردم تعدی بکند ندارد. هم ژاندارمری، هم ارتش. همه دوست و همه رفیق و باهم دوست و برادر. و من امیدوارم که یک هم‌چو چیزی پیش بیاید و یک هم‌چو حکومتی تحقق پیدا بکند؛ فقط آرزو نباشد، واقعیت باشد (همان).

تشکیل حکومت اسلامی چشم‌اندازمحور است و نیازمند بازه زمانی است و در کوتاه مدت امکان پذیر نیست. در بیانات امام، آنچه مستند است این که هدف تشکیل صرف پوسته حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی نیست، بلکه هدف این است که هسته نظام یا محتوای درونی نظام ملبس بر آداب اسلامی باشد:

جمهوری اسلامی معنایش این است که همه مردم رأی بدهند یا اکثریت رأی بدهند به این که جمهوری؛ لکن احکام احکام اسلام. جمهوری‌ای که در آن قانونش قانون اسلام باشد. اگر یک جمهوری باشد که قانونش قانون اسلام نباشد، این آن نیست که ملت ما می‌خواهند و رأی بر آن دادند. این همه خون دادند مردم به این که اسلام تحقق پیدا بکند، دنباله کار انبیاست؛ دنباله کار رسول خداست؛ دنباله کار امیرالمؤمنین است؛ دنباله کار سیدالشهدا است. سیدالشهدا خونش را داده برای همین که اسلام تحقق پیدا بکند (همان: ج ۸، ۴۲).

از نگاه امام، صرف لفظ جمهوری اسلامی نمی‌تواند مشکلات و مسائل جامعه را حل کند:

دنبال اسم نیستیم که حالا که ما اسم جمهوری اسلامی پیدا کردیم کافی است برای ما. ما در هریک از مواردی که هست، در تمام شئون مملکتمان می‌خواهیم که احکام اسلام باشد، قرآن حکومت کند بر ما؛ قانون اسلام بر ما حکومت کند؛ هیچ کس دیگر حکومت نداشته باشد. و ما الآن بین راه هستیم؛ نرسیده‌ایم به مقصد (همان).

۳. امام خمینی (ره) و تمدن غربی

فرهنگ و تمدن غرب با تکیه بر علم جدید ریشه در تحولات مربوط به رنسانس در تمام ابعاد ادبی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و صنعتی دارد. ابعاد اندیشه‌ای این تحول عبارت از اومانیزم، سکولاریسم، لیبرالیسم، و عقلانیت ابزاری بوده است که در بعد سخت‌افزاری خود دولت مدرن را با تمام نتایج استعماری آن به‌هم‌راه داشته است. روشن‌فکران مکاتب و مذاهب مختلف در مقابل این تفکر واکنش‌های متفاوتی را از خود به‌نمایش گذاشته‌اند. در این محور، تلاش این است که نگاه امام خمینی (ره) به‌عنوان بنیان‌گذار یک نظام سیاسی جدید در ایران به غرب و مبانی و نکات مثبت و منفی آن مورد توجه قرار گیرد. امام با معرفت به مبانی غربی بر لزوم حفظ استقلال هویت جامعه اسلامی و جلوگیری از خودباختگی در قبال فرهنگ تهاجمی غرب تأکید دارد (طاهری بنچاری ۱۳۸۸: ۱۲). نظام‌های معاند مبانی اسلامی در صدد هستند که با حیل‌های مختلفی سد راه اهداف اسلامی شوند. از جمله این ابزارها تلقین از خودبیگانگی و خودباختگی در میان جوامع اسلامی است تا خود جوامع به این نتیجه برسند که با اسلام حکومتی قابل‌تصور نیست. وقتی از خودبیگانگی در جوامع اسلامی به‌وجود می‌آید، جوامع از فرهنگ اصیل اسلامی بیگانه و در دام فرهنگ استعماری گرفتار می‌شوند و در نتیجه فکر تولیدشده از آن‌ها استعماری خواهد بود. به همین سبب، فرهنگ اسلامی را برای مبنای حکومتی طرد می‌کنند و سیستم مدیریتی را براساس مبانی غیر سامان‌دهی می‌کنند. امام در باب نگاه وابستگی و عدم اعتماد به داشته‌های خود و تکیه بر داشته‌های دیگران می‌فرماید:

بدتر از آن این است که محتوای اشخاص را بگیرند که اطمینان به خودش هم نداشته باشد! مثلاً ما مهندس داریم؛ نمی‌توانیم بگوییم مهندس ما نداریم، اما این محتوا را از ما

گرفته‌اند که اگر بخواهیم یک جاده‌ای را آسفالت کنند، مهندسش باید از خارج بیاید، از خارج می‌آوردند. یک کارخانه بخواهید درست کنید، یک بنای بزرگ بخواهید درست کنید، از خارج باید بیاید (همان: ج ۸، ۷۹).

نگرش امام به فرهنگ و تمدن نظام غربی نه مثل روشن‌فکران بنا بر تسلیم کامل است و نه مثل گروهی است که هرگونه استفاده از ابزارهای غربی را مردود می‌بینند، بلکه نگاه ایشان به تمدن غربی در دو مقوله فنی و فرهنگی قابلیت تقسیم‌سازی دارد که در حوزه فرهنگی تأکید بر استقلال فرهنگی و باور به داشته‌های خود ناشی از اصول و مبانی اسلامی است «کمال تأسف است که کشور ما، که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است» (داستانی بیرکی ۱۳۹۳: ۷۹) و در حوزه فنی بر لزوم استفاده از تجربیات بشری تأکید دارد که جوامع بشری می‌توانند از دستاوردهای تمدن غربی بهره‌مند شوند؛ البته از منظر امام تمدن غربی خوبی‌ها را برای خود نگاه می‌دارد و کم‌تر به کشورهای دیگر منتقل می‌کند و اگر چنین اقدامی نیز انجام دهد، اهداف خاصی را از آن دنبال می‌کند (طاهری بنچاری ۱۳۸۸: ۱۳). امام بر جنبه‌های منفی تمدن غرب نیز اشاره دارد که در صحیفه به مواردی چون دوری از معنویت و سیر جامعه به سمت مادی‌گرایی و تک‌بعدی کردن حیات بشری، ایجاد فساد در ابعاد گسترده در جوامع مختلف، و فاصله از انسان‌سازی و انسان الهی‌گرا، روحیه استعماری و مستعمره، ترویج روحیه خودباختگی در حیات بشری و ذوق‌زدگی آن‌ها برای گرایش به تمدن غربی، ایجاد حکومت‌های دست‌نشانده و تابع منافع استعماری، ایجاد شکاف و اختلاف و تفرقه و از بین بردن اتحاد و زمینه‌های انسجام‌گرایی، جذب دانشجویان و قشرهای تحصیل‌کرده، و تربیت براساس مبانی فرهنگی خودی از جمله آن‌هاست (همان: ۱۸۵).

فرهنگ‌های پیش‌رو، تحرک‌آفرین، و پویا با ارائه عناصر سازنده و به‌پیش‌برنده در سازمان‌دهی، شکل‌گیری، و تداوم جوامع نقش اساسی ایفا می‌کنند. مکتب تشیع نیز با وجود عناصر تحول‌آفرین چون فقه و اجتهاد پویا، مکمل دانستن عقل و وحی و به‌کارگیری حداکثری عقل در مبانی دینی، آرمان‌گرایی مبتنی بر عدالت و شکل‌گیری جامعه‌ای با محور عدالت با کانون معصوم، امیدبخشی مداوم به جامعه، تداوم معنویت و جلوگیری از پوچ‌گرایی جامعه، حوزه‌های علمیه و مراجع تقلید، و امثال آن ظرفیت‌های عظیمی برای جهت‌دهی به جوامع اسلامی دارد که انتهایی برای آن قابل‌تصور نیست. امام خمینی (ره) با

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی ... (سعید قربانی تازه کندی و دیگران) ۱۲۱

استناد بر این محورها و مبانی دین اسلام را دین جامع و کاملی می‌داند که می‌تواند بشریت را هدایت کند و در این وادی به اقتباس و بهره‌گیری از مکاتب بیگانه نیازی نیست.

۴. رویکرد نظری؛ الگوی سه‌وجهی تبیین عرفی شدن حکومت

اندیشه امام خمینی (ره) مبتنی بر اسلام بوده و در این اندیشه سامان‌دهی حیات اجتماعی محور تأسیس نظام سیاسی بوده است. مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) متأثر از اندیشه سیاسی اسلام در حوزه مبانی و پیش‌فرض‌های کلامی، فلسفی، و اخلاقی ثابت است، اما در زمینه‌ها و شرایط محیطی و در چهارچوب مبانی و اصول و قواعد نیز متغیر، منعطف، و متأثر از ارزیابی شرایط و اقتضات زمانی و مکانی جوامع اسلامی است (حسینی ۱۳۹۲: ۱۵). بنابراین، تلاش نگارندگان این است که با استفاده از سه رویکرد بینش - اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی، و سیاسی نیز موانع عرفی شدن حکومت اسلامی در نگاه امام (ره) را مورد تحلیل قرار دهند.

۱.۴ رویکرد بینشی - اعتقادی

منظور از رویکرد بینشی - اعتقادی این است که باور، اعتقاد، و معرفت نسبت به مسائل پیرامون براساس رویکرد دینی و اسلامی مورد تبیین و بررسی قرار گیرد. اگر بینش و نوع جهان‌بینی صادرشده از انسان براساس مبانی و ارزش‌های اسلامی باشد، انحراف فکری به‌وجود نمی‌آید. البته در مواردی ممکن است انحراف فکری و تئوریک نباشد، ولی در رفتار و عملکرد تحریف ایجاد شود. ولی مبنای ورود به عملکرد صحیح نیازمند باور و بینش صحیح دینی است. در پژوهش حاضر، تلاش بر این است تا باورهای صحیحی که زمینه‌های جلوگیری از عرفی شدن نظام اسلامی را فراهم می‌کند مورد تحلیل قرار گیرد. برای نمونه، می‌توان به مؤلفه‌هایی هم‌چون ایمان به خدا، شناخت صحیح اسلام، تبلیغ صحیح مبانی دینی، دوری از تفکرات افراطی، و ... اشاره کرد. از نگاه امام (ره)، اسلام دارای بینش صحیح و الهی است که در ذات آن نقص و عیبی مشهود نیست. لذا، اگر در حیات بشری مشکلات در ابعاد مختلف آن مشاهده می‌شود، ناشی از سوءبرداشت و بینش انحرافی در حکومت، جامعه، و امت اسلامی است.

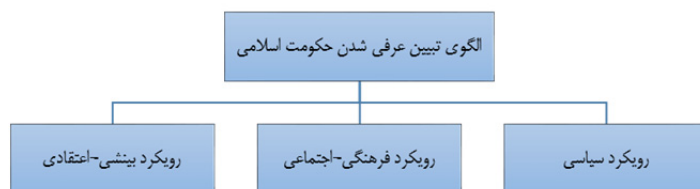
۲.۴ رویکرد فرهنگی - اجتماعی

منظور از رویکرد فرهنگی - اجتماعی این است که بینش صحیح در عرصه فرهنگی و اجتماعی وارد شود و زندگانی هم‌راه با سعادت و هدایت را برای بشریت به‌ارمغان آورد. بینش و اعتقاد نیز زمانی که هم‌راه با منطق و عقلانیت باشد و به همان صورت منطقی در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی ورود کند مانع عرفی شدن نظام اسلامی خواهد شد. عمل به قرآن، عمل صالح، حمایت از محرومان با نیت الهی، و امثال آن در رویکرد فرهنگی - اجتماعی قابل تبیین و بررسی است.

۳.۴ رویکرد سیاسی

منظور از وجهه سیاسی این است که بینش صحیح و منطقی منبعث از مبانی و ارزش‌های اسلامی به رویه صحیح در وادی سیاست امت اسلامی ورود پیدا کند و به‌نوعی سیاست تجلی بینش و اعتقاد راستین به مبانی اسلامی باشد. در این صورت، سیاست در جهت اهداف الهی قرار می‌گیرد. در نتیجه، باورها و عملکردهای سیاسی مستخرج از آن باعث تقویت اسلام و مبانی دینی می‌شود. برای مثال، زمانی که سه قوه مسئول و رهبری نظام سیاسی تابع بینش صحیح الهی باشند و مبانی اسلامی را در مسائل مختلف سیاسی دخالت دهند، در این صورت، جامعه از سکولار شدن رهایی پیدا می‌کند.

درباب عرفی شدن حکومت اسلامی از نگاه امام (ره) باید توجه داشت که دین فردی و عبادی صرف نیست، بلکه برای زندگی انسان در ابعاد مختلف دارای برنامه و سازمان‌دهی است. اگر به بینش امام در باب سه محور اسلام، عملکرد مسلمین، و نظام استعماری رجوع شود، یافته‌ها گویای این امر است که از منظر ایشان اسلام به ذات خود کامل و جامع است و اگر نقصی در روند حیات مسلمین حادث می‌شود، از عملکرد مسلمین و جریان استعماری نشئت می‌گیرد.



شکل ۱. الگوی تبیین موانع عرفی شدن حکومت اسلامی (یافته‌های نگارندگان)

۵. موانع عرفی شدن حکومت اسلامی از منظر امام خمینی (ره)

موانع عرفی و سکولار شدن حکومت دینی براساس اندیشه امام خمینی (ره) به قرار زیر است:

۱.۵ موانع پیشی - اعتقادی عرفی شدن حکومت اسلامی

۱.۱.۵ شناسایی و شناساندن اسلام

از عوامل عقب ماندگی مسلمانان عدم شناخت صحیح به مبانی دینی است. نقص در شناخت صحیح اسلام راستین عامل این است که یا اسلام در بین جوامع محو می شود یا آن قدر شبهات و مسائل خرافی به نام اسلام در بین مردم ترویج داده می شود که مردم از اسلام واقعی دور می شوند (خسروپناه و دیگران ۱۳۹۶: ۹۰۳). از نگاه امام (ره)، از جمله دلایل گرایش جوانانها به مکاتب فکری الحادی و التقاطی این است که اسلام به صورت صحیح در جوامع اسلامی عرضه نشده است. لذا، اگر بتوان اسلام واقعی را در جامعه پیاده کرد، در این صورت، مکاتب مادی در حکومت اسلامی جایگاهی ندارند. از نگاه امام (ره):

اگر اسلام به آن طوری که هست عرضه بشود، مکتب های دیگر عقب می نشینند، مکتب های دیگر شکست می خورند. اگر ان شاء الله ما توفیق پیدا بکنیم و جمهوری اسلامی را با همه احکامی که دارد، با همه احکام نورانی که از طرف خداوند تعالی برای سعادت بشر آمده است، ما بتوانیم پیاده بکنیم و با همت همه اقشار ملت و شما جوان های برومند بتوانیم پیاده بکنیم، سعادت مند خواهیم شد (امام خمینی ۱۳۸۵: ج ۷، ۲).

شناخت صحیح مبانی اسلام و شناساندن آن در روند تحولات داخلی و خارجی باعث می شود که دین در قالب و مبنای صحیح آن در تئوری و رفتار پیاده شود. اگر تئوری و رفتار در قبال اسلام صحیح باشد، جامعه جذب در اسلام و مبانی اسلامی می شود و از نفوذ مبانی و مکاتب بیگانه جلوگیری به عمل خواهد آمد.

۲.۱.۵ ارتقای سطح بینش و بصیرت در امت اسلامی

امام (ره) رمز ایستادگی در برابر توطئه فرهنگی و سیاسی دشمنان نظام اسلامی را هوشیاری و بصیرت دانستند. براساس راهبرد فکری ایشان، اگر هوشیاری در مردم نباشد، ممکن است این مسیر ایجاد شده با شکست مواجه شود و وضعیت دیگری حاکم شود:

شما هوشیار باشید که بسیاری از این اشخاصی که بین مردم افتادند و تبلیغات سوء می‌کنند می‌خواهند این نهضت ما را به شکست برسانند. شما دوستان، شما برادران من، آگاه و بیدار باشید... اگر شما دوستان و همه اقشار ملت بیدار نباشند، من خوف آن دارم که خدای نخواستہ به شکست برگردیم (همان: ج ۷، ۱۶).

ایشان جایی دیگر بیان می‌کنند که هوشیاری و بصیرت مردم عامل رونق‌گرفتن تهدیدات دشمنان داخلی و خارجی است: «باید هوشیار باشید، باید بیدار باشید، باید دسیسه‌های آن‌ها را خشتی کنید، عمال آن‌ها الآن در بین طبقات ما می‌خواهند اختلاف ایجاد کنند؛ تظاهرات ضد دینی بکنند» (همان: ج ۶، ۳۷۱).

توجه به بصیرت دینی و بن‌مایه‌های انسجام ایدئولوژیک و درک درست از راه‌بردهای قدرت استکبار جهانی برای ایجاد گسست در جهان اسلام از جمله محورهای اساسی برای بیداری نظام و جهان اسلامی در برابر نظام کفر است (غفوری و جعفری ۱۳۹۵: ۱۲۰). کلید و رمز شناسایی و شناساندن اسلام در جوامع اسلامی و غیراسلامی ایجاد بصیرت و آگاهی است. امت اسلامی زمانی که از احکام و مبانی دینی شناخت دقیق و منطقی داشته باشند و نسبت به مبانی دینی به آگاهی کافی برسند تفکرات بیگانه نمی‌تواند مدخلیت داشته باشد.

۳.۱.۵ تحول روحی و معنوی

از اساسی‌ترین راه‌ها جهت دفع مشکلات کشور استعانت از ملت است. اگر در ملت یک نوع تحول روحی براساس معنویات شکل گیرد و تصمیم آن‌ها براساس معنویت و پای‌بندی بر مبانی اسلامی باشد، مشکلات جوامع اسلامی حل می‌شود. امام خمینی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب را احیای اسلام و ایجاد تحول روحی در مردم از مادیات به معنویات و ایجاد دگرگونی در ارزش‌ها می‌داند (دهشیری ۱۳۷۹: ۷۱). در این خصوص آمده است:

ملت ما متحوّل شد؛ از خوف به شجاعت و از یأس به اطمینان و از توجه خود به توجه به خدا و از تفرقه به اجتماع. این تحول، تحول معجزه‌آسا، اسباب این شد که این مشکل بسیار بزرگ را، مشکلی را که شاید همه‌جا و همه دنیا محال می‌دانستند، حلّش کند. شما گمان نکنید که ایران دارای سلاح بود. ایران سلاحش سنگ بود، چوب، مشت؛ لکن، سلاح معنوی داشت. سلاح معنوی‌اش ایمان به مکتب، ایمان به خدای تبارک و تعالی، و توکل به مبدأ قدرت و وحدت کلمه [بود] (امام خمینی ۱۳۸۵: ج ۱۳، ۸۴).

از نگاه امام (ره)، آسیب جدی برای تحول روحی امت نیز سستی درقبال هدف است که اگر این روند به وجود آید، بازگشت به تحولات غیراصیل به وجود خواهد آمد: «من خوف این را دارم که با سردی و سستی ماها یک وقت خدای نخواستہ اوضاع برگردد و اگر خدای نخواستہ برگردد، از آن برگشت‌هایی است که دیگر ما رفته‌ایم» (امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۶۹). انقلاب اسلامی براساس تحول معنوی حاصل شده از ملت شکل گرفت؛ لذا، پایداری و استمرار انقلاب نیازمند حفظ و تداوم تحول روحی است. ملت تا زمانی موفق‌اند که در روند تحول معنوی گام بردارند. امام (ره) تحول از نفوس شیطانی به رحمانی را لازم و ملزوم انقلاب اسلامی دانسته و در این باره فرمودند: «باید همه ملت متحول بشود. فقط این نباشد که ما انقلاب چیز کردیم از طاغوت به این. باید انقلاب باطنی بکنیم. باید نفوسمان هم منقلب بشود. آن به این است که ما مطابق نظام اسلام عمل کنیم» (امام خمینی ۱۳۸۵: ج ۱۱، ۵۰۴).

انقلاب اسلامی ناشی از تحول روحی و معنوی ملت ایران بود و این تحول باعث ظهور و نشر انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی شد. لذا، تداوم و ثبات چنین حرکت و تکاپویی نیازمند تداوم روحیه و تحول معنوی است. تلاش دشمنان حکومت اسلامی بر این است که تحول معنوی را متوقف کنند و بین ملت و معنویت فاصله ایجاد کنند تا از این طریق بتوانند زمینه‌های جای‌گزینی افکار عرفی و سکولار را فراهم کنند.

معنویت اصل اساسی در حکومت اسلامی است؛ لذا، همت نظام اسلامی حیاتی است و باید بر آن هدف تمرکز داشته باشد و کارگزاران مترصد باشند معنویت را در جامعه اسلامی ارتقا بخشد:

یک مسئله که در رأس همه امور است مسئله معنویات است. ما باید کوشش کنیم که معنویات را در بین این ملت عزیز و در بین مسلمین پیاده کنیم. مردم را دعوت به معنویات و دعوت به اخلاق اسلامی و آداب فرهنگ اسلامی کنیم (همان: ج ۱۷، ۳۷۲).

حکومت اسلامی براساس ارزش‌های الهی شکل گرفته و بر این تعریف پایداری آن نیازمند استقرار معنویات و ارزش‌های الهی است. لیکن، اگر جامعه از معنویت فاصله بگیرد، مبانی عرفی و سکولاریسم در سطوح مختلف حیات مسلمین نفوذ پیدا می‌کند و انسان را در مسیر انگیزه‌های نفسانی سوق می‌دهد. لذا، شاه‌راه ممانعت از ورود مبانی و تفکرات مکاتب مادی و غیردینی ایجاد تحول درونی در ملت و تداوم بخشی این روحیه است که امام نیز بارها در بیانات و سخنرانی‌های خود به این امر مهم اشاره داشته‌اند.

۴.۱.۵ دوری از تحجر

امام (ره) مقدس‌نماها را مانع اصلاحات و نهضت معرفی می‌کند و هشدار می‌دهد که اینان به‌نام اسلام بدترین آسیب‌ها را به اسلام می‌زنند (یوسفی ۱۳۸۵: ۴۷). در میان روحانیت هم افرادی یافت می‌شوند که یا به‌واسطه وابستگی و یا انحراف سعی در تخریب اسلام دارند. خطر آنان برای اسلام و روحانیت کم‌تر از دشمنان خارجی نیست، بلکه ضربات آنان مؤثرتر و خطرناک‌تر است (مؤسسه قدر ولایت ۱۳۸۳: ۶۹). به‌فرمایش امام خمینی (ره)، «یقیناً روحانیون مجاهد از نفوذ بیش‌تر زخم برداشته‌اند. گمان نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی‌دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است، هرگز ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته به‌مراتب کاری‌تر از اغیار بوده و هست» (امام خمینی ۱۳۸۵: ج ۲۱، ۲۷۸).

این نوع افکار انحرافی به معاندین کمک می‌کند که وضع کشورهای اسلامی را به همین صورت نگه دارند و از نهضت اسلامی جلوگیری کنند. این‌ها افکار جماعتی است که به مقدسین معروف‌اند و درحقیقت، مقدس‌نما هستند. باید افکار آن‌ها را اصلاح کنیم، چون چنین تفکری مانع اصلاحات و نهضت است (طائی حسنلوئی ۱۳۸۶: ۲۶۴). امام (ره) متحجران را مساعدکننده و هموارکننده مسیر برای هدف‌های استعماری می‌داند:

در پانزده خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود، مقابله را آسان می‌نمود، بلکه علاوه‌بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حيله و مقدس‌مآبی و تحجر بود؛ گلوله زخم‌زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیش‌تر از باروت و سرب جگر و جان را می‌سوخت و می‌درید. در آن زمان، روزی نبود که حادثه‌ای نباشد. ایادی پنهان و آشکار آمریکا و شاه به شایعات و تهمت‌ها متوسل شدند، حتی نسبت تارک‌الصلاة و کمونیست و عامل انگلیس به افرادی که هدایت مبارزه را به‌عهده داشتند می‌دادند. واقعاً روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت خون می‌گریست که چگونه آمریکا و نوکرش پهلوی می‌خواهند ریشه دیانت و اسلام را برکنند و عده‌ای روحانی مقدس‌نمای ناآگاه یا بازی‌خورده و عده‌ای وابسته، که چهره‌شان بعد از پیروزی روشن گشت، مسیر این خیانت بزرگ را هموار می‌نمودند (امام خمینی ۱۳۸۵: ج ۲۱، ۲۷۹).

امام (ره) از جمله دلایل نفوذ و سلطه بیگانگان، تفرقه در امت واحده، هجوم صهیونیسم، و ضعف جهان اسلام را همین جریان‌ات متحجری می‌دانستند که با جهل، نادانی، و مقدس‌مآبانه‌شدن هر مبارزه‌ای را تحریم کرده بودند و مسلمین را در زیر پرچم جبرگرایانه قضاوقدر به اسارت ظلم و ستم‌های موجود درآورده بودند (پرتو و فیض ۱۳۹۵: ۵۸۶).

از جمله محورهایی که سبب نفوذ جریان‌های بیگانه در تئوری و عملکرد امت اسلامی می‌شود تفکر متحجرانه است. فکر متحجر زمینه‌های نوگرایی و اجتهاد را در مبانی دینی مسدود می‌کند، لذا دین نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای نوین بشری شود. در این شرایط، نوعی تردید و فاصله‌گیری مردم از مبانی دینی ظهور پیدا می‌کند.

۵.۱.۵ دوری از نفسانیت

از نظر امام (ره)، علم و تهذیب اخلاق نیاز است که باهم در قشرهای مختلف مردمی نهادینه شود. علم فارغ از تهذیب و خودسازی برای جامعه اسلامی ثمری نخواهد داشت. تلاش‌ها در تقابل با نظام جمهوری اسلامی بر این است که در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران نفوذ کنند تا براساس تربیت استادان ضدارزش‌های اسلامی، جوانان کشور را براساس مبانی هم‌گام با خود تربیت کنند. در این صورت، از لحاظ علمی، جوانان به درجه‌عالی می‌رسند، ولی از لحاظ تهذیب نفس عقب مانده‌اند. در چنین شرایطی، وقتی وارد سیستم مدیریتی شدند، برخلاف سیستم نظام سیاسی دینی عمل خواهند کرد که در این شرایط اسلام و جوامع اسلامی در انحطاط قرار خواهد گرفت:

باید از همین حالا همین جوان شانزده‌ساله، همین جوان بیست‌ساله، که [در] مدارس هست، در مدارس علمی هست، از حالا باید آن‌طوری که رضای خداست، آن‌طوری که دستورات الهی است، از حالا باید خودش را عادت بدهد به این‌که آن‌طور باشد. یک قدم که برای تحصیل علم برمی‌دارد یک قدم هم برای تحصیل اخلاق خوب و تهذیب بردارد. اگر خدای نخواست عالمی مهذب نباشد، اگر خدای نخواست عالمی آن‌طوری که اسلام می‌خواهد نباشد، این ضررش از نفعش بیش‌تر است (امام خمینی ۱۳۸۵: ج ۲، ۳۸).

پیش از انجام هر فعالیتی نیاز است که خودسازی شود. انسان اگر در جهت اوامر الهی خودش را اصلاح کند و در مسیر خودسازی قدم بردارد، هرچند نتیجه‌ای هم حاصل نشود، شکستی برای او وجود ندارد:

باید خودتان را بسازید تا بتوانید قیام کنید. خودساختن به این‌که تبعیت [کنید] از احکام خدا. هرچه فرموده است اطاعت؛ هرچه فرمود نه، نه؛ هرچه فرمود آره، آره. وقتی این‌طور شد، یک‌مرتبه، یک‌مرتبه پیدا شد یک‌مرتبه‌ای که از برای انسان باید باشد. اگر این کار این‌طور بشود که هرچه فرمود نه، نه؛ و هرچه فرمود آره، آره شد، و این تابع

اراده حق تعالی شد که هرچه فرموده است می‌کنم، هرچه فرموده است نکن نمی‌کنم. این از انسانیت یک‌مرتبه پیدا شده. مراتب دیگر هم زیاد است. و اگر این مرتبه از انسانیت هم پیدا شد که من کارم کاری شد که برای خدا این کار را می‌کنم، شکست دیگر در آن نیست (همان: ج ۵، ۱۶۹).

امام خمینی بر خودسازی و دوری انسان از نفس اماره و تزکیه نفس تأکید مؤکد دارند. حاکمان حکومت اسلامی در درجه اول لازم است افرادی خودساخته باشند. تکیه بر نفس سبب می‌شود که مسئول در روند اجرائیات از مبانی دینی عدول کند و خواسته‌های فردی و شخصی را بر مبانی اسلامی تقدم بخشد که در این شرایط، حاکمیت صحیح الهی در جامعه به‌انزوا کشیده می‌شود و رفته‌رفته این نوع برخورد با مبانی دینی در زندگی فردی امت اسلامی جایگاه پیدا می‌کند که نمود واضح عرفی شدن جامعه است.

۲.۵ موانع فرهنگی عرفی شدن حکومت

۱.۲.۵ استقلال فکری و فرهنگی

وابستگی فکری مانع اصلی درقبال رشد و خلاقیت یک جامعه است. حکومت اسلامی برای قرارگرفتن در مسیر رشد و پیشرفت نیازمند استقلال فکری و فرهنگی است و امت بر مبانی فرهنگی صحیح اسلامی متکی است. تلاش‌ها در جهت مخالفت با مبانی اسلام و جلوگیری از نفوذ اسلام در حکومت اسلامی به این دلیل است که جامعه اسلامی را از لحاظ فکری محصور کنند و فرهنگ بیگانه را بر آن غالب کنند. هدف این است که حکومت را از لحاظ فکری وابسته کنند تا نتواند براساس سیستم فکری اسلام به‌صورت راه‌بردی از لحاظ تئوریک قدم بردارد و در روند آن عمل کند. امام (ره) وابستگی فکری در امت اسلامی را مانع استقلال فرهنگی و فکری می‌داند:

ما خودمان را بشناسیم که ما خودمان هم فرهنگ داریم؛ خودمان هم همه‌چیز داریم؛ و احتیاج به غرب در این امور نداریم؛ و آنی که آن‌ها به ما می‌دهند آن نیست که واقعیت رشدآوری باشد؛ آن است که ما را می‌خواهند در یک حدی نگه دارند (همان: ج ۱۰، ۲۲۹).

امام خمینی (ره) تأکید دارد که رأس همه اصلاحات در حکومت اسلامی اصلاح فرهنگ بوده و از جمله دستاوردهای انقلاب اسلامی برقراری فرهنگ مستقل در جامعه

است. از مظاهر این استقلال می‌توان به استقلال فکری، رهایی از استعمار فکری، و جای‌گزین کردن تفکر استقلالی اشاره کرد. امام (ره) معتقد بودند غرب در پی استیلای فرهنگی بر شرق است و این استیلا نظم فرهنگی جامعه شرقی را بر هم خواهد زد. به همین دلیل، شیوه اصلاح فرهنگی نیز الگویی از تحول فرهنگی در پرتو تعهد فرهنگی در حکومت است (سالاری و کاکایی ۱۳۹۲: ۶۷). از آن‌جاکه فکر از فرهنگ ناشی می‌شود، لذا فرهنگ باید مستقل و رها از قیدوبند بیگانه باشد و در صورت عمل به فرهنگ بومی و دینی، جامعه مسیر رشد و تعالی را در پیش خواهد گرفت:

شما اگر بخواهید از همه وابستگی‌ها خارج بشوید این باید این وابستگی مغزی را، قلبی را کنار بگذارید. گمان نکنید که هرچه آن‌ها دارند خوب است ... جوان‌های ما هم باید جدیت کنند، در این معنا که خودشان را که گم کردند پیدا بکنند. تا اسم غرب می‌آید، خودشان را نزنند (امام خمینی ۱۳۸۵: ج ۱۲، ۶).

استقلال فکری در نگاه امام (ره) زمانی حاصل می‌شود که نوعی بازگشت به خویشتن و تحول درونی برای شهروندان حکومت اسلامی به وجود آید: «ما باید کاری بکنیم که خودمان و همه قشرهای ملت و همه جوانان ما باورشان بیاید که ما هم آدمیم» (همان: ج ۱۱، ۲۲۲). ایشان وابستگی فکری را نتیجه از خودبیگانگی و غرب‌زدگی می‌داند و معتقدند آنچه استعمارگران با ملل دیگر انجام می‌دهند نیز تزریق بی‌هویتی فرهنگی، بی‌ریشگی تاریخی، و حس نیازمندی به دیگران است (فوزی ۱۳۸۴: ۱۳۶). استقلال فکری و فرهنگی باعث می‌شود که امت اسلامی براساس داشته‌ها و مبانی اسلامی در جامعه تصمیم‌گیری و رفتار کنند. تئوری صحیح و رفتار صحیح اسلامی باعث اسلامی شدن جامعه و اجتناب از مبانی مکاتب بیگانه می‌شود. چنین پازلی با تکیه بر استقلال در بعد فکری و فرهنگی امکان عملیاتی دارد.

۲.۲.۵ خودباوری و بازگشت به اصالت‌های فرهنگی

یکی از عناصر محوری و کانونی گفتمان انقلاب اسلامی «بازگشت به خویشتن» و اصالت‌دادن به داشته‌های اصیل ملی و مذهبی است که حاصل آن هویت‌بخشی اسلامی و حفظ و استمرار آن است (نظری و دیگران ۱۳۸۷: ۱۵۶). جوامع اسلامی تازمانی که سردرگم باشند نمی‌توانند مستقل باشند. لذا، راه اساسی برای نیل به استقلال و استحکام فرهنگی در حکومت اسلامی شناخت خود، مبانی فرهنگی، و ظرفیت‌های فرهنگی ملی است: «هیچ

ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا بکند، الا این‌که خودش خودش را بفهمد. مادامی‌که ملت‌ها خودشان را گم کردند و دیگران را به‌جای خودشان نشانند، استقلال نمی‌تواند پیدا کنند» (داستانی بیرکی ۱۳۹۳: ۷۹).

استقلال و عدم وابستگی در ابعاد مختلف زمانی در یک جامعه امکان‌پذیر است که جامعه به فرهنگ و سنت خود متکی باشد. تمام تلاش‌ها این است که جهان اسلامی را عقب‌مانده و وابسته نگه دارند تا بتوانند خواسته‌های خود را از کانال وابستگی‌ها تأمین کنند. لذا، از نگاه امام (ره)، زمانی جامعه اسلامی می‌تواند به رهایی و استقلال در ابعاد مختلف از جمله استقلال فکری دست یابد که باور به فرهنگ و ارزش‌های خود داشته باشد و به این روند باور داشته باشد که می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های فکری و فرهنگی خود به رشد و توسعه دست یابد:

این پیروزی که شما به‌دست آوردید برای این‌که باورتان آمده بود که می‌توانید؛ باورتان آمده بود که آمریکا نمی‌تواند به شما تحمیل بکند. این باور اسباب این شد که آن کار بزرگ معجزه‌آسا را شماها انجام دادید ... باورتان باشد که خود ما هم می‌توانیم صنعتی داشته باشیم و می‌توانیم ابتکاری داشته باشیم (امام خمینی ۱۳۸۵: ج ۱۴، ۳۰۹).

از موانع از خودبیگانگی شناخت فرهنگ و تاریخ ملی است. امام (ره) با آگاهی کامل از پیشینه قوی علمی، سیاسی، اجتماعی، و دینی مردم را به شناخت گذشته و تاریخ خود فرامی‌خواند تا با علم به گذشته اعتقاد و اعتماد به خود را تقویت کنند و از این ره‌گذر آسیب‌هایی چون خودباختگی را بزدايند. هدف این شناسایی و تحول فرهنگ دست‌یابی به هویت اصیل و قطع وابستگی به بیگانگان است (فوزی ۱۳۸۵: ۲۰۴). امام در این باره می‌فرماید:

بارها تذکر دادیم که باید ایرانی بسازیم که بتواند بدون اتکا به آمریکا و شوروی و انگلستان (این جهان‌خواران بین‌المللی) استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی، و اقتصادی خویش را به‌دست گیرد و روی پای خود بایستد و هویت اصیل خویش را به جهان عرضه کنند. امیدواریم با تحول فرهنگ حاکم اسلامی این گروه به خود مشغول و از مردم بریده به خود آیند و اصالت خویش را دریابند و از وابستگی نجات پیدا کنند (امام خمینی ۱۳۸۵: ج ۹، ۲۵).

امام (ره) رهایی جوامع اسلامی از خودباختگی را مقدمه دست‌یابی به استقلال می‌داند. لذا، تازمانی‌که جامعه خودباخته و از فرهنگ خود بیگانه باشد، راه به جایی نخواهد برد:

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی ... (سعید قربانی تازه کندی و دیگران) ۱۳۱

تا این ها آن محتوای خودشان را پیدا نکنند و نشوند یک موجود شرقی و خودشان را شناسند نمی‌توانند مستقل باشند. شما هرچه هم زحمت بکشید تا دانشگاه ما آن مغز غربی‌اش را کنار نگذارد و یک مغز شرقی پیدا نکند نمی‌تواند مستقل باشد (همان: ج ۹، ۳۷۹).

آنچه از بیانات امام خمینی استنباط می‌شود این است که جوامع جهت هدایت در ابعاد مختلف مادی و معنوی نیازمند اتکا به فرهنگ اصیل اسلامی هستند که صرفاً از طریق خودباوری به مبانی اسلامی امکان‌پذیر است. خودباوری باعث تکیه بر داشته‌های خود می‌شود که نتیجه آن این‌که جامعه از روندهای عرفی شدن رهایی و نجات پیدا می‌کند.

۳.۲.۵ تربیت صحیح انسانی - اسلامی

از جمله موانع عرفی شدن نظام اسلامی ورود در مباحث تربیت جامعه براساس رویکردهای اسلامی است. حکومت اسلامی لازم دارد در روند تربیتی ورود پیدا کند تا جامعه به‌دور از مبانی غربی و مادی‌گرا تربیت شود. در حکومت اسلامی، نظام آموزشی کشور لازم است که براساس آموزه‌های اسلامی تربیت شوند تا جامعه اسلامی شود و نیاز است که صاحبان آموزش در کشور براساس الگوی اسلامی تربیت شوند تا جامعه اسلامی شود. اگر تربیت یک جامعه توسط افراد ناآشنا و مغرض با مبانی اسلامی صورت گیرد، تربیت غیراسلامی جای‌گزین تربیت صحیح می‌شود و لذا، در عرصه مدیریت نیز سیاست عرفی جای‌گزین سیاست اسلامی می‌شود:

عمده این است که دانشگاه طوری بشود که افرادش خصوصاً معلمینش یک معلمینی باشند که متعهد باشند و آن وقت هم در سر کلاس‌ها آن مقداری که صلاح است اشخاصی معلمینی باشند که برای آنها صحبت‌های اخلاقی بکنند؛ صحبت‌های اسلامی بکنند که این جوان از حالا پرورش پیدا بکند (همان: ج ۱۳، ۳).

نظام جمهوری اسلامی براساس مبانی دینی تثبیت شده است و تداوم آن نیازمند این است که ملت و روشن‌فکران جامعه براساس مبانی اسلامی تربیت شوند تا در آینده با قرارگرفتن در روند مدیریت جامعه براساس سیاست اسلامی حرکت کنند و مجذوب در مکاتب غربی و سیاست‌های مادی نباشند. امام (ره) کشوری را سالم می‌داند که تربیت آن براساس معارف الهی باشد: «اگر مردم را تربیت کنید به یک تربیتی سالم، و دعوت کنید به این‌که با خدا آشنا بشوند، با معارف الهی آشنا بشوند، با قرآن آشنا بشوند، اگر این‌طور شد، کشور شما سالم می‌ماند» (همان: ج ۱۹، ۳۵۷).

امام (ره) جایی دیگر بین تربیت و رهایی از وابستگی اشاره می‌کند: «باید دانشگاه جدیت کند به این‌که افرادی را هم‌چو بار بیاورد، هم‌چو تربیت و تعلیم بکند که احتیاج را از خارج سلب بکنند این‌ها» (همان: ج ۱۰، ۴۳۶).

اسلام به دنبال تربیت صحیح بشر است تا انسان با اتکا بر مبانی صحیح تئوری و رفتاری در ابعاد مادی و معنوی به تعالی برسد. تفکراتی درصدد هستند تا جوامع اسلامی را صرفاً در بعد مادی تغذیه دهند و از بعد معنوی، که انسان‌ساز است، محروم کنند. لذا، از زاویه دید امام، تربیت باید انسانی اسلامی باشد تا اسلام در جامعه ماندگار شود و ماندگاری اسلام باعث تعالی بشر در ابعاد مادی و معنوی می‌شود.

۴.۲.۵ مقابله فرهنگی با غرب‌زدگی

تفکر غربی به یک‌باره بر نظام فکری و عملی ایران حاکم نشده است. لذا، پاک‌سازی آن روندی طولانی می‌طلبد. تلاش معاندین بر این بود که از لحاظ فکری ایران را مطیع کنند تا تصمیم‌گیری‌ها و عملکردها در ایران براساس منافع استعماری اتخاذ شود و با وقوع انقلاب اسلامی تفکرهای غربی هنوز در جامعه ایران باقی است و زایل کردن این تفکر زمان طولانی می‌طلبد. امام پاک‌سازی جامعه اسلامی از افکار غربی را مهم‌ترین رکن می‌داند. از نگاه ایشان، تازمانی‌که افکار جامعه درگیر فرهنگ غربی باشد حکومت نمی‌تواند افکار اسلامی را جذب کند و سیاست اسلامی را در جامعه پیاده‌سازی کند: «حالا که برگشته و جمهوری اسلامی شده است، باید همه طبقات جدیت کنند که آن چیزهایی که به‌ارث برده شده است از این رژیم طاغوتی پاک‌سازی کنند. مهم پاک‌سازی افکار است» (همان: ج ۹، ۴۲۷).

با ظهور انقلاب اسلامی و پیاده‌سازی سیاست دینی تلاش این است که فرم اسلامی جای‌گزین فرم غربی شود. در نظام پهلوی، تلاش بر این بود که اسلام‌زدایی شود و اسلام به دلیل تعارض با منافع استعماری از عرصه خارج شود، ولی با پیروزی انقلاب سیاست‌های استثمارگرایی غربی از عرصه خارج شد و سیاست اسلامی جای‌گزین شد: «باید این فرم غربی برگردد به یک فرم اسلامی. باید ما توجه داشته باشیم که ما خودمان کی هستیم و چی هستیم و مملکت ما احتیاج به چی دارد و به کی دارد» (همان: ج ۹، ۵۰۱).

امام (ره) مهم‌ترین مبادی تعالی فرهنگی حکومت اسلامی را برگرداندن فرم اسلامی به‌جای فرم غربی می‌دانست که اگر این امر به‌صورت کامل اتفاق بیفتد، جامعه به استقلال

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی ... (سعید قربانی تازه کندی و دیگران) ۱۳۳

می‌رسد. در نقطه مقابل، اگر وابستگی به غرب و فرم غربی هم‌چنان در نظام مدیریتی کشور نفوذ کند، استقلال معنایی ندارد:

اگر ما این وابستگی‌های معنوی را، این وابستگی‌هایی که جوان‌های ما را و دانشگاه ما را و همه چیز ما را به صورت غربی درآورده بود، این‌ها را اگر برگردانیم به حال خودش و پیدا کردیم خودمان را، می‌توانیم یک ملت مستقل باشیم و یک ملت آزاد باشیم، پیوند به غیر نداشته باشیم و خودمان سرپای خودمان بایستیم (همان).

از مهم‌ترین آفت‌های پیش روی حکومت اسلامی وجود تفکرات وابسته به نگاه غربی است. تلاش این تئوری این است که انسان صرفاً ابزار مادی باشد و از دایره معنویت خارج شود که در این صورت، انسان به بعد حیوانی تنزل پیدا می‌کند. لذا، لازم است در جوامع اسلامی درمقابل چنین تفکری ایستادگی و مقاومت شود.

۳.۵ موانع سیاسی عرفی شدن حکومت اسلامی

۱.۳.۵ تداوم بخشی ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی

از جمله موانع درقبال سکولار شدن نظام سیاسی دینی حفظ روحیه انقلابی است. انقلاب اسلامی ایران بر اساس محوریت آموزه‌های اسلامی به پیروزی رسید و چنین روحیه انقلابی‌ای باعث تثبیت جمهوری اسلامی ایران شد. لذا، استمرار و دائمی بودن این روند از دیدگاه امام (ره) نیازمند ترویج روحیه انقلابی است:

اسلام خون‌ها دیده است و جنایت‌ها بر اسلام و بر پیکر اسلام واقع شده است تا به دست ما رسیده است و ما باید آن را حفظ کنیم. باید نگذاریم که این اسلام عزیز در خارج به دست اشخاصی که دارای دشمنی هستند و می‌خواهند اسلام را طور دیگر عرضه کنند و وانمود کنند، باید همه ما باهم طوری عمل کنیم که نقشه‌های آن‌ها خنثی شود (همان: ج ۱۲، ۸۱).

حفظ روحیه انقلابی در سایه حفظ ارزش‌های اسلامی محقق می‌شود. لذا، برای تداوم و استمرار این صراط حیاتی است که ارزش‌های اسلامی حفظ و صیانت شود:

ما هم باید درمقابل آن‌ها (قدرت‌ها) مهیا باشیم. همان‌طور که آمریکا برای توطئه آماده است، ما هم باید برای مبارزه و مقابله آماده باشیم. همه دست‌در دست یک‌دیگر بگذارند

و از حیثیت و کیان اسلام و جمهوری اسلامی دفاع کنند و از این هیاهوها نترسند که ما شکست نمی‌خوریم. شما، که مسئولیت بسیار سنگینی به‌عهده‌تان می‌باشد، مطمئن و استوار به کار خودتان ادامه دهید. هر روز برنامه‌هایتان را بیش‌تر و بهتر توسعه دهید و کوشش نمایید تا برنامه‌های اصولی و منطبق با موازین اسلام ارائه نمایید و حیثیت ملت و مذهب خودتان را حفظ کنید (همان: ج ۱۷، ۲۴۳).

امام (ره) دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی را دفاع مقدس می‌داند. در مباحث مختلف اشاره شد که هدف قدرت‌های بزرگ استحاله مبانی و ارزش‌های دینی در جمهوری اسلامی از مبانی اسلامی است تا سیاست دینی در حکومت نقشی نداشته باشد. لذا، کسی که در راه اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی مقاومت و دفاع می‌کند، از نقش اسلام در مبانی حکومتی دفاع می‌کند به‌سبب این‌که دفاع از اسلام و مبانی اسلامی است، عملکردی مقدس و ارزشی دارد (همان: ج ۱۹، ۴۵۷).

۲.۳.۵ قرارداد اسلام در متن عرصه اجتماعی

معنویت اسلام در روند انقلاب اسلامی نیز جامعه را به‌تحرك درآورد و دین وارد عرصه عمل اجتماعی شد. مبانی اسلامی انقلاب اسلامی ایران ضمانت صیانت آن است. تازمانی‌که پای‌بندی به آموزه‌های اسلام در مردم و مسئولان نظام حاکم باشد و براساس ارزش‌های متعالی اسلام گام‌به‌گام پیش بروند، انقلاب صیانت خواهد شد. در اندیشه امام (ره)، اسلام باعث شد تا انقلاب اسلامی حاصل شود و برای صیانت از انقلاب نیاز است که مردم تابع اسلام و ارزش‌های اسلامی باشند:

متوجه باشید که امروز آن چیزی که اهمیتش بیش‌تر از چیزهای دیگر است این است که ما حفظ اسلامیت این نهضت را بکنیم. این نهضت از اولش اسلامی بود و تا این‌جا هم اسلامی هست و ان‌شاءالله تا آخر هم اسلامی باشد. و همه ما، همه شما، همه ملت، همه باید همتشان این باشد که این نهضت را اسلامی پیش ببرند. اگر این محفوظ بماند، آسیب دیگر نمی‌بینند (امام خمینی ۱۳۹۳: ۲۱۵).

بنابراین، صیانت از انقلاب نیازمند صیانت از ارزش‌های الهی است. پاس‌داشت ارزش‌های الهی صرفاً در بعد نظری نیست، بلکه در تمامی وجوهات حکومتی لازم است. به یک معنا، جامعه اسلامی باید هم‌رنگ اسلام باشد و براساس مبانی اسلامی عمل کند: «لکن، با رأی به جمهوری اسلامی آرمان‌های اسلام تحقق پیدا نمی‌کند. دنبال این رأی عمل

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی ... (سعید قربانی تازه کندی و دیگران) ۱۳۵

باید باشد. باید یکی یکی احکام شرع در خارج تحقق پیدا کند. باید همه اقصای اسلامی بشوند» (همان: ۱۲۲).

محتوای جمهوری اسلامی براساس آموزه‌های دینی باشد و مبانی دینی باید در ظاهر و باطن حکومت ریشه دواند: «این جمهوری به معنای اسلامی، به همین معنا که عرض کردم که محتوا اسلام باشد، ... کوشش کنید که این معنا حاصل بشود. اگر این معنا حاصل شد، شما تا آخر پیروز هستید» (همان: ۱۲۰). حفظ مبادی اسلام و ارزش‌های دینی در اجتماع نیازمند ایثار و فداکاری است. امام حسین (ع) زمانی که جامعه را در روند انحراف دیدند جهت امر به معروف و حفظ اسلام از انحرافات وارد عمل شدند که در آخر به اوج فداکاری یعنی شهادت در راه اهداف اسلامی منتهی شد. اگر برای اسلام فداکاری نمی‌شد، انقلاب اسلامی به ثمر نمی‌نشست:

صدر اسلام هم حضرت سیدالشهدا را، که از همه خسارات بالاتر بود، [از دست دادیم] و سیدالشهدا می‌دانست که دارد چه می‌کند، می‌دانست که این‌جا، این سفر این‌طوری است. باید این فداکاری بشود تا این‌که کار درست بشود. و ما هم امروز هرچه داریم از آن فداکاری است که آن فداکاری برای اسلام بود که همان مقداری که تا حالا [دوام] آورده است از همان بوده است. و ما باید این را، این پایگاه را حفظش بکنیم و فداکاری را به مردم یاد بدهیم که باید فداکاری بکنید (امام خمینی ۱۳۸۵: ج ۱۷، ۴۴).

حلقه حفظ ملت و جامعه دینی در تبعیت از مبانی دینی و حفظ آموزه‌های اسلامی است. تازمانی که ملت پای‌بند ارزش‌های اسلامی باشند شکست معنا ندارد، ولی اگر از مسیر اسلام دور شوند براساس تفکر امام (ره) شکست حتمی است:

ملت ما تا این وحدت کلمه را دارند و تا این اخلاص را به اسلام دارند این اخلاص به اسلام، که خودشان را فدایی برای اسلام می‌کنند و اسلام را همه چیز خودشان می‌دانند، تا این معنا محفوظ است، ما باید مطمئن باشیم که پیروزیم و ما همه باید این معنا را حفظ بکنیم. اگر خدای نخواست این روحیه را از دست بدهیم، خودمان را حالا پیروز بدانیم و هرکدام برویم سراغ کار خودمان (همان: ج ۶، ۴۹۳).

هر امتی برای حرکت و پویایی و تداوم نیازمند یک نوع خط‌مشی است. برای امت اسلامی نیز خط‌مشی با تکیه بر اصول اسلامی امکان‌پذیر است. بر این مبنا، بدون شک، مبانی اسلامی باید در اجتماع حاکم شود و حرکت و پویایی با تکیه بر مبانی دین حاصل شود.

۳.۳.۵ حضور مستمر روحانیت در اجتماع

تلاش‌های دشمنان این است که ملت‌ها روحانیت را رها کنند و این نهاد در روند اداره سیاست جایگاهی نداشته باشند تا از این طریق بتوانند سیاست‌های خودساخته را جای‌گزین سیاست‌های اسلام ناب کنند. لذا، بر روحانیت است که با حضور در صحنه‌های سیاسی بر ایده اسلام منهای روحانیت خط بطلان بکشد. امام (ره) اسلام منهای روحانیت را باطل می‌دانند و معتقدند امکان ندارد که اسلام باشد، ولی روحانیت به‌عنوان بانیان اسلام در روند تحولات اسلامی حضور نداشته باشد: «مگر می‌شود اسلام بی‌ملا؟ مگر شما می‌توانید بدون ملا کار را انجام بدهید. باز این ملاها هستند که جلو می‌افتند کار انجام می‌دهند. این‌ها هستند که جانشان را [می‌دهند]. الآن هم ما تو حبس ملاها داریم» (همان: ج ۳، ۲۴۶)

براساس بینش ایشان از جمله محورهای ایستادگی در قبال زیاده‌خواهی‌های استعماری بیداری و هوشیاری روحانیت و ملت است: «ملت بیدار است و روحانیت ایران هم به وظایف خود آشناست. روحانیت ایران را استعمار نتوانسته است خواب کند و فریب دهد» (همان: ج ۲، ۱۵۱). از جمله عوامل نفوذ عوامل غیراسلامی در متن جامعه اسلامی این است که علما براساس ارزش‌های اسلامی عمل نکنند و از زی‌طلبگی خارج شوند: «وظیفه شما این است در هر مقام که هستید وزانت و حیثیت اسلام را حفظ کنید. اگر یک نفر از افراد شما برخلاف زی‌خودش عمل کند، جامعه روحانیت را بد معرفی می‌کند» (همان: ج ۱، ۱۱۸). روحانیت به‌عنوان حامیان دین اسلام ضرورت دارد که خودشان را در قبال مادیات و نفسانیات تهذیب کنند که سقوط روحانیت در ابعاد مادی زمینه‌ساز انزوای اسلام خواهد شد:

اول کار این است که ما خودمان را تهذیب کنیم، به‌طوری‌که ما وقتی که اسم خودمان را روحانی گذاشتیم الهی باشیم روحانی باشیم. عرضه بکنیم خودمان را به دنیا، بگوییم که ما اشخاصی هستیم که روحانی هستیم و مربی جامعه هستیم. اگر از مربی جامعه خدای نخواستہ یک وقت یک چیز خلاف دیدند، خوب، چه خواهد شد؟ این خواهد شد که خدای نخواستہ اگر زیاد شد، خوب، روحانیت شکست می‌خورد. شکست روحانیت شکست اسلام است. آن روز است که اسلام از دست ما خواهد رفت (همان: ج ۱۰، ۲۴).

جمهوری اسلامی بر این مبنا شکل گرفت که بانیان آن و متصدیان قدرت براساس آموزه‌های اسلامی بر مردم خدمت کنند. اگر روحانیت برخلاف خواسته‌های قرآن عمل کنند و به قدرت به‌صورت ابزار نگاه کنند، در این صورت، اسلام در معرض بحران قرار

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی ... (سعید قربانی تازه کندی و دیگران) ۱۳۷

می‌گیرد و جمهوری اسلامی دچار خسارت و بحران جدی می‌شود (همان: ج ۱۷، ۴۹۳).
جمهوری اسلامی ایران براساس فرهنگ اسلامی شکل گرفته و تداوم این نظام سیاسی دینی نیازمند حضور فعال بانیان این فرهنگ یعنی علماست. روحانیت اسلام را بر حکومت دینی ایران تزریق کردند و با ایستادگی ملت و مقاومت آن‌ها جمهوری اسلامی را براساس مبانی دینی شکل دادند. ماندگاری اسلام و جمهوری اسلامی منبعت از آن نیازمند حضور احیایگران آن یعنی روحانیت است. روحانیت مسیر مبارزات ملت را جهت‌دهی می‌کردند تا در روند انحراف قرار نگیرند: «این حوزه‌های علمیه است که اسلام را تا حالا نگه داشته است. اگر روحانیون نبودند، از اسلام خبر نبود. آن‌که اسلام را زنده نگه داشته است در مواقع سیاه، در این زمان‌های سیاه، همین روحانیون بودند» (همان: ج ۶، ۲۷۸).

شناسایی و شناساندن مبانی صحیح دین اسلام و ایجاد بصیرت و آگاهی در عموم جامعه به مبانی دین اسلام با حضور روحانیت امکان عملیاتی شدن دارد. در روایات نیز به رجوع به روحانیت جهت احکام و دین صحیح الهی اشاره شده است. این روند باعث سالم‌شدن تئوری و عملکرد امت اسلامی می‌شود.

۴.۳.۵ برپایی عدالت

عدالت‌محوری از ارکان اساسی اسلام بوده و دین اسلام مترصد تحقق عدالت در جوامع انسانی است تا رفاه و آرامش در جامعه مستقر شود. انقلاب اسلامی لازم است که در جهت عدالت باشد و هدف جمهوری اسلامی این بود که ملت ایران را از بی‌عدالتی‌ها رهایی بخشد. از نگاه امام (ره)، از فلسفه‌های اصلی تشکیل انقلاب اسلامی تحقق عدالت است و اگر این روند در جمهوری اسلامی مشهود نشود، انقلاب اسلامی به اهداف خود نمی‌رسد و چنین روندی حکومت اسلامی را با بحران و تهدید روبه‌رو می‌کند:

همه پاسدار اسلام و حکومت حق باید باشید. در این‌جا، پاسداری این است که این حکومت حکومت عدل باشد و پاسداری از عدالت باشد. پاسداری از عدالت این است که پاسدار خودش موصوف به عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند. اگر خدای نخواستہ یک پاسداری، یک گروهی، در جامعه ما موصوف به عدالت نیستند و همان‌طوری که دستگاه سابق دستگاه تعدی و ظلم و تجاوز به مردم بود این گروه یا این پاسدار یا این جمعیت، هرکس باشد، این هم تا آن اندازه که دستش می‌رسد همان کارهای رژیم سابق را بکند، این پاسدار نمی‌تواند باشد (همان: ج ۸، ۳۱۷).

تفاوت حکومت دینی با رژیم قبلی در ایران نیز این است که مبتنی بر عدالت است. عدالت زمانی در جامعه محقق می‌شود که سردمداران و صاحبان مدیریت در جامعه عادل باشند و نسبت به رفتار عادلانه در جامعه معتقد باشند:

اگر فرض کنید که ماها مدعی هستیم پاسدار اسلام هستیم و در این انقلاب، این جهت انقلاب که برقراری حکومت عدل اسلامی است، اگر بنا باشد ما مدعی پاسداری هستیم از انقلاب [در] آنجایی که خراب‌کردن و زدن و کشتن و کشته‌شدن بود، درست آمدیم و به انقلابمان وفادار بودیم، اما در این مرحله، که مرحله سازندگی یک حکومت عدل اسلامی است، ما خدای نخواستہ پاسداری‌مان از یک هم‌چو حکومت عدل اسلامی به‌طور صحیح نباشد، یعنی خودمان در این مرحله انقلابی نباشیم، در این مرحله خودمان را نساخته باشیم که موصوف به عدالت باشیم، تا پاسدار عدالت باشیم، پاسدار یک حکومت عادلانه، چنانچه اگر حکومت ما هم یک حکومت عدل نبود، نمی‌توانیم بگوییم که این جهت انقلاب ما تحقق پیدا کرده است که جهت حکومت عدل اسلامی بود (همان: ج ۸، ۳۱۷).

جامعه‌ای که عدالت در آن حاکم باشد، مردم به حکومت اعتماد داشته و در بحران‌های مختلف پشت نظام ایستاده و مقاومت می‌کنند. لکن، اگر بی‌عدالتی در جامعه حاکم شود، مردم از نظام اسلامی دل‌سرد می‌شوند و چنین روندی برای نظام سیاسی دینی باعث ایجاد مشکل می‌شود که از جمله آن‌ها روی‌آوری به مکاتب و مرام‌های الحادی و مادی‌گراست: «از مهماتی است که جان باید پایش داد ... برای این‌که اقامه حق بکند، اقامه عدل بکند» (همان: ج ۶، ۳۳).

از جمله دلایل روی‌آوری مردم به دین الهی و عده عدالت‌گرایی و مبارزه با تبعیض و ظلم و نابرابری است. پس، حکومت اسلامی شکل‌گرفته از مبانی دینی باید براساس ارزش‌های الهی، که مشوق عدالت‌گرایی است، عمل کنند که نتیجه آن جاذبه حداکثری و دافعه حداقلی است.

۵.۳.۵ مردمی بودن

از نگاه امام (ره)، سرمنشأ قدرت عالمان دینی تعهد به اسلام و هم‌راهی مردم است. در نظام قدرت و حکومت دو مبنای مقبولیت و مشروعیت وجود دارد. عالمان دینی هر اندازه هم مشروعیت داشته باشند، اگر از طرف مردم مقبولیت پیدا نمی‌کردند، نمی‌توانستند حکومت

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی ... (سعید قربانی تازه کندی و دیگران) ۱۳۹

اسلامی شکل دهند. پس، مبانی تجلی حکومت اسلامی و حضور روحانیت در اقتدار، تعهد به مبانی اسلامی، و حضور مردم در صحنه و پشتیبانی آنهاست:

شما قوی هستید، مردم همراه شما هستند، مردم همراه حکومت‌های جور نیستند، مردم همراه با علما هستند. شما قوی هستید. شما هرکدام در محل خودتان همان قدرتی دارید که روحانیان ایران در این جا دارند. آن‌ها عمل کردند در مقابل یک قدرتی که در منطقه نظیر نداشت، در مقابل یک قدرتی که هیچ‌یک از قدرت‌های منطقه شبیه به او نبودند. همین مردم کوچه و بازار ما و همین کشاورزان و کارگران ما به واسطهٔ تعلیمات اسلامی، که علمای اسلام به آن‌ها داده بودند و دادند، بیدار شدند و هجمه کردند بر یک هم‌چو قدرتی و او را شکستند و او را بیرون کردند (همان: ج ۱۸، ۴۲۵).

از نگاه امام (ره)، یکی از مشکلاتی که جهان اسلام با آن مواجه بوده این است که دولت و ملت هم‌گام نیستند و دولت‌ها با ملت‌ها تفاهم ندارند. ملت‌ها پشتوانهٔ دولت‌ها نیستند و این روند باعث تضعیف دولت‌های اسلامی می‌شود:

یکی از مشکلات، که باز مسلمین گرفتارش هستند، مشکل دولت و ملت است و دولت‌ها، در آن قدری که ما اطلاع داریم و شما هم مطلع هستید، دولت‌هایی هستند که با ملتشان تفاهم ندارند. معاملهٔ دولت‌ها با ملت‌ها معاملهٔ دشمن با دشمن است. ملت پشت می‌کند بر دولت و دولت می‌خواهد تحمیل کند بر ملت. از این جهت، ملت‌ها پشتوانهٔ دولت‌ها نیستند، بلکه معاملهٔ دشمن با دشمن می‌کنند و این موجب ضعف دولت‌هاست (همان: ج ۹، ۴۱).

اسلام دین جامع و کاملی است که برای هدایت و سعادت بشر نازل شده است. جوامع جهت بهره‌وری از این نعمت الهی لازم است از احکام و قوانین الهی تبعیت کنند و این امر نیازمند سیستم حکومتی هوشمند و عقلانیت‌محور جامعهٔ اسلامی و هم‌راهی مردم است.

۶.۳.۵ وحدت‌گرایی

قدرت‌های بزرگ با راه‌برد فکری چون تبلیغات وسیع درصدد هستند که اسلام را ناکارآمد نشان دهند تا یک نوع انزجار از دین اسلام را در جوامع اسلامی و نظام بین‌الملل ایجاد کنند. ولی از نگاه امام (ره) راه‌کار درقبال تبلیغات ناروای دشمنان وحدت در جوامع است. اگر جوامع در مسیر وحدت باشند، تبلیغات سوء نمی‌تواند اثرگذار باشد:

امروز دنیا با ما به خاطر اسلام بد است. بعضی‌ها که جاهل‌اند می‌گویند اسلام به درد نمی‌خورد، اما بعضی‌ها که کمی اوضاع مردم ایران را می‌دانند می‌گویند اسلام خوب است، ولی نه اسلام این‌ها، اسلام راستین. امروز تبلیغات علیه من و شما نیست، تبلیغات علیه اسلام است. اگر ما با اسلام کاری نداشتیم، کسی با ما بد نبود. امروز آمریکا و شوروی را که آن‌قدر در دنیا فساد می‌کنند کسی محکوم نمی‌کند، ولی تمام محکومیت‌ها مال ماست. در دنیا، تنها ایران است که مورد سؤال است، ولی اگر ما وحدت خودمان را حفظ کنیم و هم‌صدا و هم‌جهت باشیم، از هیچ‌چیز نباید بترسیم. مهم این است که باهم خوب باشیم و تصمیم داشته باشیم که مستقل و آزاد حرکت کنیم و مطمئن باشیم که می‌توانید. ترس آن موقعی است که رؤسا باهم اختلاف داشته باشند و مردم در صحنه نباشند که بحمدالله امروز هم مردم در صحنه هستند، هم همه دست‌اندرکاران باهم خوب هستند (همان: ج ۱۷، ۴۴۱).

فرهنگ اسلامی موقعی در جامعه پیاده‌سازی می‌شود که از اختلاف بری باشد و در مسیر وحدت باشد. هدف پیامبران الهی، از جمله پیامبر اسلام، وحدت در جامعه اسلامی بوده است، زیرا پیامبر به این امر واقف بود که اگر وحدت نباشد، جامعه اسلامی نمی‌تواند رشد کند:

پیغمبر اسلام می‌خواست در تمام دنیا وحدت کلمه ایجاد کند؛ می‌خواست تمام ممالک دنیا را در تحت یک کلمه توحید، در تحت کلمه توحید تمام ربع مسکون را قرار بدهد. متنها، اغراض سلاطین آن وقت از یک‌طرف و اغراض علمای نصارا و یهود و امثال‌ذلک از طرف دیگر سد شد؛ مانع شد از این‌که ایشان بتوانند آن کار را انجام بدهند (همان: ج ۲، ۳۲).

تأکید قرآن و دین مبین اسلام بر اتحاد امت اسلامی است. وحدت جامعه را منسجم می‌کند و از ایجاد اختلافات ممانعت می‌کند. اگر جوامع اسلامی متحد شوند و براساس ارزش‌های اسلامی پیمان اتحاد ببندند، دچار تزلزل فکری و عملی نخواهند شد.

۶. نتیجه‌گیری

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، تفکر لیبرالیستی و سوسیالیستی بر نظام فکری جهان اسلام مسلط شده بود و فکر اسلامی و مبنای اسلامی جهت تشکیل حکومت جایگاهی در میان امت اسلامی نداشت و دین در حاشیه قرار گرفته بود. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی با

محوریت دین اسلام نوع نگاه و بینش به ظرفیت‌های اسلامی تغییر پیدا کرد، دین اسلام از حاشیه در متن قرار گرفت و مبنای جمهوری اسلامی در ایران شد. نظام سیاسی دینی در ایران مستقر شد و مبنای تصمیم‌گیری و اجرایی براساس رویکرد آموزه‌های اسلامی پی‌گیری شد. دشمنان اسلام در اولویت اول راغب بر این بودند که مانع ظهور انقلاب با مبنای اسلامی شوند، ولی با اراده ملت ایران انقلاب اسلامی برخلاف میل نظام استکباری شکل گرفت و جمهوری اسلامی به تثبیت رسید. لذا، در ادامه، معاندین درصدد برآمدند تا نظام جمهوری اسلامی را از لحاظ محتوایی استحاله نمایند و یک نظام عرفی را بر جامعه تحمیل کنند که ظهور چنین تفکر و روندی با مؤلفه‌هایی چون خودباختگی فرهنگی، عدم معرفت درست به آموزه‌های اسلام، و مواردی از این قبیل امکان‌پذیر است که در منظومه فکری امام خمینی (ره) در قالب بیانات و سخن‌رانی‌ها مطرح شده است. لکن، برای جلوگیری از استحاله شدن نظام سیاسی دینی و جای‌گزین شدن مبنای عرفی به جای آن از نگاه امام لازم است که مواردی مورد توجه قرار بگیرد. از حیث بینشی و اعتقادی، امام (ره) بر راه‌بردهایی هم‌چون شناسایی و شناساندن اسلام به جامعه اسلامی، ارتقای سطح بینش و بصیرت امت در حکومت اسلامی، تحول روحی و معنوی، دوری از تحجر، و مقابله با نفسانیت اشاره می‌کنند. در عرصه راه‌بردهای فرهنگی، امام خمینی (ره) برای مدیریت عرفی شدن به مؤلفه‌های خودباوری فرهنگی، استقلال فکری و فرهنگی، توجه به تربیت صحیح انسانی و اسلامی، خودباوری و بازگشت به اصالت‌های فرهنگی، مقابله فرهنگی با غرب‌زدگی، و غیره اشاره می‌کنند. در حوزه راه‌بردهای سیاسی مقابله با عرفی شدن حکومت اسلامی، امام خمینی (ره) بر تداوم بخشی ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی، قرارداد اسلام در متن عرصه اجتماعی، حضور مستمر روحانیت در اجتماع، برپایی عدالت، مردمی بودن، و وحدت‌گرایی تأکید دارند.

کتاب‌نامه

- اسلامی، علی‌رضا (۱۳۹۴)، *انگاره‌های تحلیلی امنیت در اندیشه‌های امام خمینی (ره)*، تهران: دفاع ملی.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، *صحیفه امام*، ج ۲۲، تهران: مؤسسه امام خمینی (ره).
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷)، *جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی*، تهران: مؤسسه امام خمینی (ره).
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۹۳)، *تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی*، تهران: مؤسسه امام خمینی (ره).

- پرتو، فتح‌الله و مهدی فیض (۱۳۹۵)، «نسبت‌سنجی تحجر و گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی»، همایش گفتمان اسلام سیاسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- حسینی، مریم (۱۳۹۲)، *اندیشه سیاسی امام خمینی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خرمشاد، محمدباقر و دیگران (۱۳۹۰)، *بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران*، تهران: سمت.
- خسروپناه، عبدالحسین و دیگران (۱۳۹۶)، *منظومه فکری امام خمینی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خسروی، احمدعلی (۱۳۸۰)، *بررسی استراتژی امام خمینی (ره) در رهبری انقلاب اسلامی*، تهران: نیع.
- خورشیدی، حسین (۱۳۹۴)، «بررسی مبانی وجودی حکومت اسلامی»، *حبل‌المتین*، س ۴، ش ۱۱.
- داستانی بیرکی، علی (۱۳۹۳)، *امام خمینی (ره) و بیداری اسلامی؛ چالش‌ها و راه‌کارها*، تهران: عروج.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۱)، *درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سالاری‌دران، مریم و عباس کاکایی (۱۳۹۲)، *اصول‌گرایی در اندیشه امام خمینی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شجاعی‌زند، علی‌رضا (۱۳۸۰)، «الگوهای عرفی شدن جوامع»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ش ۱۷۱.
- صدرا، علی‌رضا و مسلم کرم‌زادی (۱۳۸۸)، «بررسی کارآمدی حکومت از دیدگاه امام خمینی»، *حکومت اسلامی*، ش ۵۳.
- طائی حسنلوئی، سلیمان (۱۳۸۶)، *امام خمینی و جریان‌های حوزه علمیه قم*، قم: هاجر.
- طاهری بنچاری، میثم (۱۳۸۸)، *فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- غفوری، اکبر و الهه جعفری (۱۳۹۵)، «تأثیر گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی بر بیداری امت اسلامی»، همایش گفتمان اسلام سیاسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴)، *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، قم: معارف.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۵)، *امام خمینی (ره) و هویت ملی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کلاته، حسن (۱۳۸۷)، *گفتمان جمهوری اسلامی اندیشه امام خمینی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- گل‌باغی، علی (۱۳۷۸)، *درآمدی بر عرف، قم: دفتر تبلیغات اسلامی*.

موانع عرفی شدن حکومت اسلامی ... (سعید قربانی تازه کندی و دیگران) ۱۴۳

مریدی، فاطمه (۱۳۸۸)، نقش مصلحت در عرفی شدن دین از منظر امام خمینی، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مؤسسه قدر ولایت (۱۳۸۳)، آفت‌ها و آسیب‌های انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی، تهران: قدر ولایت.

ناصری، علی اکبر (۱۳۸۹)، «دلایل آمیختگی دین و سیاست از منظر امام خمینی»، حکومت اسلامی، ش ۸۵

نظری، علی اشرف (۱۳۸۷)، گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

نوازی، بهرام (۱۳۸۸)، صدور انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س).

نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۲)، انقلاب اسلامی ایران، قم: مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره).

نوری، یحیی (۱۳۸۳)، اصول فکری و فلسفی و اجتماعی اسلام، قم: نوید نور.

ورعی، سیدجواد (۱۳۷۸)، امام خمینی و احیای تفکر اسلامی، تهران: عروج.

یوسفی فخر، حسین (۱۳۸۹)، سیاست و اجتهاد در اندیشه غزالی و امام خمینی (س)، تهران: عروج.

یوسفی، هدایت (۱۳۸۵)، ریشه‌های عقب ماندگی مسلمانان در اندیشه امام خمینی، قم: پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.

